

تصویر دستخط

آداب و آفات تربیت کودک و نوجوان

بررسی آسیب‌های احتمالی و ارائه راه کارهای عملی

شامل:

□ کلیاتی درباره روش‌های تربیت و آسیب‌های آن

□ آسیب‌شناسی تربیت دینی

□ آسیب‌شناسی تربیت جنسی

سیدداود سیدمیرزایی - سیدعلی شاهرخی - هادی قطبی

قطبی هادی، ۱۳۵۹ -

آداب و آفات تربیت کودک و نوجوان، بررسی آسیب‌های احتمالی و ارزیابی راهکارهای عملی / هادی قطبی، داود سید میرزایی، علی شاهرخی - قم: احمدیه، ۱۳۸۴.

۱۴۴ ص: جدول ISBN: 964 - 8504 - 12 - 1

کتابنامه ص ۱۳۹؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. اسلام و آموزش و پرورش. ۲. تربیت خانوادگی (اسلام). ۳. والدین و کودک. ۴. تربیت اخلاقی. الف - سید میرزایی، داود، ۱۳۴۷، ب - شاهرخی، علی، ۱۳۵۳، ج - عنوان.

۴ الف ق ۶ / ۱۸ / ۳۳۰ BP

شناسنامه قبلا تحویل داده شده است.

«آداب و آفات تربیت کودک و نوجوان»

سیدداود سیدمیرزایی - سیدعلی شاهرخی - هادی قطبی

ناشر: انتشارات احمدیه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: ناشر

لیتوگرافی و چاپ: قم / زلال کوثر

نوبت چاپ: چهارم / فروردین ۱۳۸۵

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

قطع و تعداد صفحات: رقعی / ۱۴۴ صفحه

بها: ۱۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

قم - انتشارات احمدیه - تلفن: ۲۹۱۹۴۱۷ - فکس: ۲۹۳۹۴۰۹ - همراه: ۰۹۱۲ ۱۵۳ ۵۰۹۷

پست الکترونیکی: AHMADIEH@NOAVAR.COM

شابک: ۱ - ۱۲ - ۹۶۴ - ۸۵۰۴ - 1 - 12 - 8504 - 964 ISBN

هرگونه تکثیر و نسخه‌برداری اعم از کپی و چاپ، منوط به اجازه ناشر می‌باشد

تقدیم به:

خورشید پنهان هدایت،

حجة بن الحسن ارواحنا فداه

و

کرمه اهل بیت، مریم آل رسول،

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام



فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۳
مقدمه	۱۵

کلیاتی دربارهٔ روش‌های تربیت و آسیب‌های آن

رشد روانی - اجتماعی و مضامین تربیتی آن.....	۱۹
جدول اریکسون	۲۳
جامعه و فرهنگ‌سازی.....	۲۵
نقش تبلیغ در فرهنگ‌سازی.....	۲۷
خودسازی و تأثیرگذاری بر محیط.....	۲۹
اهمیت رابطهٔ ابوینی.....	۳۱
مهم‌ترین حساسیت‌های نوجوانان.....	۳۳
معرفی چند کتاب.....	۳۵

آسیب‌شناسی تربیت دینی

اهمیت تربیت دینی.....	۳۹
رفتار افراد، نشان‌دهندهٔ میزان پای‌بندی آنها به دین.....	۴۰
نقش خانواده.....	۴۲
تأثیر باور دینی در تربیت.....	۴۳
زمان آغاز تربیت دینی.....	۴۷
چگونگی تربیت در خردسالی.....	۴۹

۹. یادآوری لحظه‌های نجات	۷۷
۱۰. پاسخ صحیح در مورد مکان خدا	۷۷
۱۱. مرور شادی‌ها	۷۷
۱۲. تغییر دیدگاه در مورد سختی‌ها	۷۸
۱۳. ایجاد روحیهٔ امیدواری	۷۸
۱۴. استفاده از شعر و داستان	۷۸
۱۵. استفاده از کتاب آسمانی	۷۹
۱۶. خواندن کتاب طبیعت	۷۹
۱۷. الگو دهی	۷۹
۱۸. معاشرت با خانواده‌های شریف	۷۹
۱۹. توجه به مراحل تقویت ایمان	۷۹
دوران پیش از دبستان	۷۹
دوران کودکی	۸۰
دوران نوجوانی	۸۱
۲۰. ایجاد محبت به اهل بیت:	۸۱
راه‌های ماندگاری آموزه‌های دینی	۸۲
تداوم والدین	۸۲
تهیه امکانات	۸۲
تمرین دادن	۸۲
حضور در محافل مذهبی	۸۲
ارتباط با خانواده‌های مذهبی	۸۲
الگودهی مناسب	۸۲
تشویق و تحسین	۸۲
القای غیر مستقیم	۸۳
چند نکته کاربردی در تربیت	۸۳
خاتمه	۸۴
معرفی چند کتاب	۸۶

ملاک تربیت دینی	۴۹
موارد آموزش دینی	۵۱
نقش مکان‌های مذهبی	۵۲
چگونگی انتقال مفاهیم دینی	۵۳
۱. استفاده از کتاب	۵۴
۲. بیان حکمت عبادات	۵۵
۳. اهمیت دادن به سن تکلیف	۵۷
۴. ایجاد انگیزه	۵۸
۵. تناسب موقعیت زمانی و مکانی	۵۹
طریقهٔ آشنایی با خدا	۶۰
روش عقلی	۶۰
روش قلبی	۶۱
استفاده از موقعیت‌ها	۶۲
نقش تربیت دینی در پیش‌گیری از خانه‌گریزی	۶۳
روش تنبیه در تربیت	۶۶
نقش مدرسه و معلم	۶۹
برخی از وظایف معلم و مدرسه	۷۰
تناسب مطالب دینی با درک فرزندان	۷۱
نقش اجتماع	۷۳
۲۰ نکتهٔ کلیدی در انتقال مفاهیم دینی به کودکان	۷۴
۱. استفاده مناسب از واژه‌ها	۷۴
۲. زمان مناسب برای پاسخ به سؤالات	۷۴
۳. صداقت در پاسخ	۷۵
۴. استفاده از دانسته‌ها در پاسخ به سؤالات	۷۵
۵. استدلال‌های قلبی	۷۵
۶. تقویت روحیهٔ توکل	۷۶
۷. تقویت روحیهٔ شکرگزاری	۷۶
۸. شناساندن قدرت و علم خداوند	۷۶

□ سخن ناشر

یکی از مسائل مهمی که همواره مورد توجه والدین محترم بوده و هست، دغدغهٔ چگونگی پرورش و تربیت دینی کودک و کنترل رفتارهای جنسی آنهاست. این مسأله در کشور ما به اذعان روان‌شناسان دینی و مشاوران، از بیش‌ترین موارد مراجعه است. از این رو بر آن بودیم تا با عرضه اثری در این خصوص با پشتوانهٔ دینی و در عین حال علمی و کاربردی، به طرح این گونه مسائل پرداخته و به نیاز مخاطبان پاسخ دهیم.

مجموعهٔ حاضر، محصول سه جلسه از سلسله نشست‌های آموزش خانواده با بیان شیوای حجة الاسلام سیدداود سیدمیرزایی «کارشناس روان‌شناسی بالینی و عضو انجمن روان‌شناسی ایران» است که از سوی آقایان سیدعلی شاه‌رخی و هادی قطبی «از حوزهٔ علمیهٔ قم» نگارش و دربارهٔ برخی از مصادیق و راه‌کارهای عملی تربیت دینی و جنسی کودک و نوجوان شرح داده شده است.

در مراحل مختلف تهیه و نگارش این مجموعه، خلاصهٔ مطالب توسط استادان محترم علوم روان‌شناسی و کارشناسان مسائل دینی ملاحظه شد و از آن‌جا که مورد تشویق و تأیید قرار گرفت، درصدد چاپ و انتشار آن برآمدیم. در این جا لازم است از حجة الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی آقانهانی «حفظه الله» که با امعان نظر خود و راه‌نمایی، یاری‌گر و مشوق ما بودند و هم‌چنین حجة الاسلام حسین خانی به سبب بازبینی و کنترل مطالب، و آقای مهدی جابری که ویراست این اثر را عهده‌دار بودند، تقدیر و تشکر نماییم.

امید است این اثر مورد مرضی حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» قرار گرفته و والدین عزیز را در تربیت بهتر فرزندانشان رهنمون باشد؛ ان شاء الله

□ مقدمه

علم تربیت، مانند علوم دیگر، پیشینه، منابع و سرشاخه‌هایی دارد که از آغاز تا کنون، فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. ما به حق مدعی هستیم که اسلام بهترین و غنی‌ترین منابع تربیتی را در اختیار دارد که در عین حال به دلیل کوتاهی و کم‌کاری، کم‌تر استخراج و عرضه شده است.

علم روان‌شناسی امروز، حاصل تجربیات و آزمون و خطای دانش‌مندان بزرگ شرق و غرب است. با اندکی جست‌وجو و تأمل در آثار عرضه شده درباره تربیت کودک (به خصوص مسائل دینی)، درمی‌یابیم که اغلب آنها نظری بوده و کم‌تر حاوی راه‌کارهای عملی تربیتی بوده‌اند. برخی از آثار دینی نیز که با نگاه یک‌سویه به آیات و روایات نگاشته شده‌اند، کمک‌چندانی به فهم درست تربیت دینی افراد نمی‌نماید و این بار به دوش خانواده‌ها سنگینی می‌کند که چگونه یک مفهوم دینی را انتقال دهند و یا از انحراف جنسی کودک جلوگیری کنند. سوای این دو گروه از نویسندگان، آثاری هم که روش‌مند و علمی است، اغلب از حجم زیاد و ادبیات خشک و علمی صرف برخوردار است.

با عنایت به مطالبی که عنوان شد و اهمیت مسئله تربیت و رشد شتابان تحولات و مناسبات فرهنگی - اجتماعی عصر ارتباطات و با توجه به نیاز خانواده‌های ایرانی به کتابی مستدل و منطبق با فرهنگ اسلامی - ایرانی و ارائه مطالب با قلمی روان و آسان و به دور از اطناب کلام و نیز اجتناب از مباحث صرفاً نظری به خصوص در بُعد تربیت دینی و جنسی، بر آن شدیم با در نظر گرفتن اصول تربیت اسلامی و بهره‌گیری از توصیه‌های بزرگان دین و استفاده از دانش روان‌شناسی، مجموعه‌ای مختصر و مفید در اختیار والدین عزیز قرار دهیم و

قدمی ناچیز در هم‌راهی آنها در تربیت فرزندان برداریم. بدان امید که این اثر، روزنه‌ای در شناخت بیش‌تر مسائل تربیتی به روی خانواده‌ها بگشاید.

در پایان لازم می‌دانیم از همه کسانی که در نگارش این اثر نقش داشته و ما را هم‌راهی کرده‌اند، سپاس‌گزاری نماییم:

پدر آسمانی و مادر مهربان؛ آن دایه‌هایی که عشق و فداکاری‌شان، «بی‌مزد بود و منت» و در کودکی ما را تکیه‌گاهی استوار و در نوجوانی راه‌نما و جوانی را بهترین دوست بودند. و همسر عزیز که سهم داشتنی‌ها و نداشتنی‌های زندگی است؛ همو که مرهون دستان تلاش‌گر، نگاه‌های امیدبخش و صبر بی‌انتهایش هستیم. و فرزندان‌مان که اگر برق امیدی در چشمان خسته پدرشان می‌درخشد، از امید به فردای آنهاست. هم‌چنین برادر و خواهر؛ آنان که از تار و پود یک‌دیگریم و وجودشان مایه دل‌گرمی، نشاط و شادی است.

مهر ماه ۱۳۸۴ - رمضان المبارک ۱۴۲۶

سیدداود سیدمیرزایی

سیدعلی شاهرخی

هادی قطبی

کلیاتی درباره روش‌های تربیت
و آسیب‌های آن



شخصیت روحی و اخلاقی نوجوان در سه پای گاه شکل می‌گیرد. این سه عنصر مؤثر عبارتند از: خانواده نوجوان، هم‌سالان وی و مدرسه او. که در این بین، خانواده از اهمیت بیش‌تری برخوردار می‌باشد که زودتر و قوی‌تر از دو مؤلفه دیگر، به پرورش اعضای خود می‌پردازد.

والدین باید هم‌چون استاد سنگ‌تراشی که با سرانگشتان هنرمندانه خود، از یک سنگ خارا مجسمه انسانی را خلق می‌کنند، بتوانند با تربیت آگاهانه فرزندان خویش، انسان کاملی را تحویل اجتماع دهند.

رشد روانی - اجتماعی و مضامین تربیتی آن

دکتر اریکسون یکی از روان‌شناسان مشهور جهان است که مراحل شکل‌گیری شخصیت جوان را در جدولی تنظیم کرده است.^۱ از آن جا که این تحقیق تا حد زیادی با آموزه‌های دینی منطبق می‌باشد، به بررسی آن می‌پردازیم.

وی دوران نوزادی تا یک سالگی را دوران بسیار حساسی می‌داند و معتقد است که رفتارهای نابهنجار یک انسان، ریشه در دوران جنینی و نوزادی‌اش

۱. روانشناسی تربیتی، ص ۶۶ و ۶۷

دارد؛ به عنوان مثال، بدبینی یک فرد بزرگسال را بررسی می‌کنیم. روان‌شناسان معتقدند که یکی از علائم بهداشت روانی در افراد این است که مثبت‌اندیش باشند و حسن ظن را محور قضاوت‌های خود قرار دهند، مگر این‌که خلاف آن ثابت شود؛ یعنی تا هنگامی که عمل و رفتار سوئی از جانب شخصی مشاهده و تکرار نشود، نباید به او احساس بدی داشته باشیم. اما برخی چنان بدبین شده‌اند که معتقدند اصلاً آدم خوب پیدا نمی‌شود؛ مثلاً بعضی از زنان بر این اعتقادند که اصلاً مرد خوب وجود ندارد و همه مردان سر و ته یک کرباس‌اند. حال سؤال این است که چرا ما این قدر بدبین می‌شویم؟ ریشه این بیماری افراطی در کجاست؟

تحقیقات روانی، علت این حس را به یک‌سالگی فرد ارتباط می‌دهند. اریکسون از نوزادی تا یک‌سالگی را دوران «اعتمادسازی» می‌نامد. وی این مقطع زمانی را زمینه‌ساز احساس امنیت یا عدم امنیت در آینده یعنی دوران جوانی و بزرگسالی می‌داند. چنان چه مادری به نیاز نوزاد خود به موقع پاسخ دهد، مثلاً هنگام گرسنگی به او شیر دهد و یا زمانی که احتیاج به نوازش دارد، او را از چشمه محبت خود سیراب کند، چنین نوزادی، ابتدا به مادر حس اعتماد داشته و محیط خانه را امن می‌پندارد و در آینده نیز وقتی وارد جامعه شود، احساس خوبی به سایرین خواهد داشت. در واقع مادر در این جا اعتمادسازی کرده است. اما اگر او این رسیدگی‌های جسمی و روحی را از فرزند دریغ نماید و یا در برابر به نوزادش کوتاهی کند، فرزند به مادر، اطرافیان و اجتماع بدبین شده و احساس ناامنی می‌کند.

گاهی دیده می‌شود که بعضی از مادران بی‌توجه، کودک خود را که جایش خیس است، به بهانه این‌که همین الان او را عوض کرده‌ام، ساعت‌ها رها می‌کنند، در حالی که کودک از این وضعیت رنج می‌برد و احساس عدم امنیت و

بی‌اعتمادی به اطرافیان به او دست می‌دهد.

نتیجه چنین رفتاری از سوی خانواده، در بزرگسالی نیز دیده می‌شود؛ به عنوان مثال، خانمی که خدا به او زیبایی داده بود، با مردی ازدواج کرد. شوهر او هر وقت که از خانه بیرون می‌رفت، در خانه را قفل می‌کرد و در مقابل اعتراض خانم، می‌گفت: من به تو اعتماد دارم، ولی به جامعه اعتماد ندارم! گاه زنگ می‌زد و گاهی سرزده به منزل می‌آمد، تا مبادا کسی به خانه او آمده باشد.

تربیت چنین افرادی با پرورش فرزندی که مادر، آنها را به کول می‌بست تا هر لحظه که طفل احتیاج داشت، به او رسیدگی کند، قابل مقایسه نیست.

اریکسون سنین دو تا سه سالگی را دوران «استقلال رأی» می‌داند؛ مثلاً امروز اگر نوجوانی کاسه «چه کنم چه کنم» به دست گرفته و از تصمیم‌گیری در امورش ناتوان است، به سبب نوع تربیت در دو تا سه سالگی است. این دانش‌مند معتقد است که اگر اطرافیان در آن دوران، همه کارهای بچه را انجام داده و مدام به او القا کنند که «نمی‌توانی»، بدیهی است که آن کودک در آینده استقلال رأی نخواهد داشت و فردی ناتوان به بار می‌آید.

والدین بدانند چنان چه مانع فعالیت‌های متناسب با سن و سال فرزند خود شوند، کودک اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد و احساس می‌کند که آدم بی‌دست و پایی است و باید همه کارهایش را پدر و مادر انجام دهند. بنابراین به جای کلمه «نمی‌توانی»، باید از لفظ «نمی‌دانی» استفاده کنیم. باید کودک را آزاد گذاشت تا بیاموزد و تجربه کند که چگونه بپوشد و چه طور راه برود؛ وظیفه بزرگ‌ترها آموزش و نظارت است، نه انجام همه کارهای بچه‌ها. وگرنه چند سال دیگر برای نوشتن تکالیف مدرسه از پدر و مادر کمک خواهند گرفت و در آینده نیز برای تصمیم‌گیری امور مهم مانند انتخاب همسر، به نظر دیگران تکیه می‌کنند و استقلال رأی نخواهند داشت.

جدول اریکسون

ردیف	مراحل روانی - اجتماعی از نظر اریکسون	دامنه سنی
۱	اعتماد در برابر عدم اعتماد = مراقبت کافی و محبت واقعی باعث می‌شود کودک جهان را امن و قابل اعتماد بداند؛ و مراقبت ناکافی و طرد کودک، سبب ترس و دودلی او در برابر جهان و اطرافیان می‌شود.	از تولد تا پایان ۱ سالگی
۲	استقلال رأی در برابر شک و تردید = اگر به کودک این امکان داده شود که با راه و روش خود، مهارت‌هایش را به کار گیرد، به استقلال رأی دست می‌یابد و افراط و تفریط در مراقبت سبب می‌شود که کودک در توانایی‌هایش تردید کند.	از ۲ تا پایان ۳ سالگی
۳	ابتکار در برابر احساس گناه = اگر کودک را در انجام فعالیت‌ها، آزاد بگذارند و به سؤالات او با صبر و حوصله پاسخ دهند، کودک به حس ابتکار دست خواهد یافت. در غیر این صورت، کودک در برابر جواب‌های سربالای دیگران و بی‌توجهی آنها احساس گناه می‌کند.	از ۴ تا پایان ۵ سالگی
۴	سازندگی در برابر احساس حقارت = اگر به کودک اجازه داده شود تا کارهایی بکند یا چیزهایی بسازد که در مقابل انجام آنها تشویق شود، در او احساس سازندگی به وجود می‌آید، ولی انتقاد از او و محدود کردنش، حس حقارت را در پی دارد.	از ۶ تا پایان ۱۱ سالگی
۵	هویت‌یابی در برابر آشفتگی نقش = هنگامی که کودک در شخصیت خود تداوم و یک‌نواختی را تشخیص دهد، هویت خود را می‌یابد، ولی عدم توانایی در ایجاد علائم ثابت در ادراک شخصی، به آشفتگی نقش می‌انجامد.	از ۱۲ تا پایان ۱۸ سالگی

حال به چند نمونه از رفتارهای نادرست اطرافیان و تأثیر آن بر شکل‌گیری

شخصیت نوجوان اشاره می‌کنیم:

اگر مادری به فرزند خود بگوید «دیگر نمی‌خواهم چشمم به تو بیافتد» و یا

«چه از جان من می‌خواهی؟»، در این صورت، زمینه بدبینی فرزند را به شخص

بنابراین عطفوت مادرانه و دل‌سوزی پدرانه نباید باعث حمایت‌های بیش از اندازه شود و اعتماد به نفس کودک را بشکند. بلکه وظیفه آنها فقط هم‌راهی و هدایت است.

روان‌شناسان سن ۱۲ تا ۱۴ سالگی را دوره «نوجوانی» و دوره پنجم زندگی نامیده و ۱۸ سالگی را پایان نوجوانی می‌دانند. این سال‌ها را به دوران «هویت‌یابی» نیز تعبیر می‌کنند. چراکه جوان می‌خواهد خود را بشناسد و سؤالاتی هم‌چون این‌که «چرا دختر یا پسر خلق شده‌ام یا چرا اصلاً به دنیا آمده‌ام و...» ذهن او را مشغول می‌کند.

اریکسون ۱۲ تا ۱۸ سالگی را دوران حساس زندگی می‌نامد و معتقد است نوجوان در این مقطع سنی یک نگرش دو سویه به خود دارد:

۱ - اول، احساسی است که او به خویش دارد مثلاً جلوی آینه می‌ایستد و خود را برانداز می‌کند و در این سن بیش‌تر متوجه ترکیب چهره و اندام خود می‌شود. راجع به مو، رنگ چشم، تن صدا، حتی درباره پدر، مادر، شهر، لهجه و... اظهار نظر می‌کند. «ای کاش‌ها»، انتقادها و البته تعریف و تمجیدها نیز زیاد می‌شود. به این حالت، «خودسنجی» گفته می‌شود.

۲ - دوم، کنجکاوای در مورد نوجوانان و احساسی است که دیگران به او دارند. وی می‌خواهد بداند که نظر دیگران درباره او چیست؟ درباره رفتارها، شغل، قیافه، و... بسیار حساس می‌شود. در حالی که قبلاً نه به آن توجه می‌کرد و نه برایش اهمیت داشت.

بنابراین نوع و محتوای نگرش یک نوجوان، پیرو ارزش‌ها و نگرش خانواده، هم‌سالان و مدرسه اوست.

جدول اریکسون در صفحه بعد آمد است:

مادر و اطرافیان فراهم می‌کند. لذا نباید بار محتوایی و اثر سخنان و پیام‌های خود را نادیده انگاریم؛ به قول یکی از دانش‌مندان: «هر سخن یک سلوک عملی را در پی خواهد داشت».

معلم و استاد نیز به دلیل ارتباط نزدیک و طولانی که با بچه‌ها دارند، علاوه بر مطرح بودن به عنوان الگو، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت آنها دارند. تحقیقات بیانگر این مطلب است که غالب دانش‌آموزان ما بهره‌هوشی متوسط به بالا دارند؛ یعنی دانش‌آموز بی‌استعداد وجود ندارد. اما آنها نیازمند راهنمایی و ارشاد هستند و به همین دلیل دوره‌راهنمایی را در مدارس، به این نام خوانده‌اند. رسالت مدرسه و معلم، کشف استعدادها، شکوفا کردن آنها و جهت‌دهی و راهنمایی دانش‌آموزان است.

این اشتباه است که معلم، یک نفر را برای دیگر دانش‌آموزان، ملاک و معیار قرار می‌دهد و آنها را با او می‌سنجد. باید توجه داشت هیچ فردی حتی دوقلوهای هم‌سان نیز روحيات و خلیقاتشان با هم یک‌سان نیست. با این وصف نوجوانی که در سنین هویت‌یابی قرار دارد و نظر دیگران برای او مهم است، چنان چه شاهد برخورد مقایسه‌ای و تحقیرآمیز باشد، به خود بی‌اعتماد گشته و فردی سست‌عنصر می‌شود و این یعنی بحران هویت و ضعیف شدن خودباوری و کم‌رنگ‌گشتن اعتماد به نفس.

بنابراین یکی از وظایف مهم مدرسه، ارزش‌گذاری درست و منصفانه دانش‌آموزان است. نباید فراموش کرد که اصل تفاوت‌های فردی در روان‌شناسی، اثبات کرده که دانش‌آموزان در دریافت مطالب، یک‌سان نیستند. عده‌ای با توضیح معلم در پای تخته به مطلب پی می‌برند و عده‌ای دیگر نیازمند حضور معلم در کنار خویش هستند و توضیح خصوصی یا تدریس چهره به چهره در دریافت مطلب، یاری‌شان می‌کند.

همان‌گونه که گفته شد، نوجوان به شدت به ارزش‌های پذیرفته شده توسط هم‌سالان، خانواده و اطرافیان تن می‌دهد. بنابراین برای تفسیر رفتار و منش نوجوان، می‌بایست نوع نگاه اطرافیان او را به ارزش‌های جامعه جویا شد. باید دید در خانواده، درس خواندن است ارزش یا کار کردن؟ آیا او برای نماز خواندن تشویق و ترغیب می‌شود یا برای رقصیدن و ترانه خواندن؟ آیا حجاب را ارزش می‌داند یا خودآرایی و جلوه‌گری در برابر دیگران را؟

وقتی کودک، نقاشی یک خانه را می‌کشد که در ورودی ندارد، از نوع نقاشی او می‌توان فهمید که والدین او اهل رفت و آمد و معاشرت با دیگران نیستند. پدر او با این استدلال که «چرا من کار کنم و دیگران بیایند و بخورند؟»، باب معاشرت را به روی اقوام و دوستان بسته است.

بنابراین خانواده، مسیر کمال و رشد شخصیتی و هندسه فکری کودکان را تشکیل می‌دهد و در آینده، هم‌سالان او این نقش را ایفا می‌کنند.

جامعه و فرهنگ‌سازی

بخش مهمی از تربیت فرزندان ما متأثر از ارزش‌گذاری‌ها، هنجارها و الگوهای معرفی شده در جامعه است. یکی از خصوصیات دوران نوجوانی و جوانی، هم‌سان‌سازی و الگوپذیری از چهره‌های مطرح و مهم جامعه از قبیل دانش‌مندان، هنرمندان، ورزش‌کاران و... است.

چنانچه هنجارها، ارزش‌گذاری‌ها و معرفی الگوها درست صورت گرفته و مطرح شوند، بخش مهمی از شخصیت و تربیت فرزندان تضمین شده و از این جهت برای خانواده‌ها اطمینان‌بخش خواهد بود.

با این حساب اگر ارزش‌ها و الگوهای مطرح، اصیل و سازنده باشند، این هم‌سان‌سازی و شبیه‌سازی، یک اتفاق مبارک و میمون خواهد بود. اما چنانچه

ارزش‌های کاذب و مغایر با اصول ملی و اسلامی در جامعه ترویج شود و از عناصر منفی و چهره‌های مخدوش الگوسازی شود، نسل جوان را به گرداب تباهی کشانده و سرمایه جامعه را نابود می‌کند.

چندی پیش جایزه نوبل به یکی از زنان ایرانی تعلق گرفت؛ برخلاف فلسفه اهدای جایزه نوبل که موجب تشویق و معرفی الگوهای علمی و فکری در جهان است. لیکن امروزه از این هدیه استفاده ابزاری می‌شود و یکی از این سوء استفاده‌ها، مبارزه با فرهنگ دینی است که ما آن را در اهدای جایزه کاملاً سیاسی به یکی از حقوق دانان کشورمان شاهد بودیم.

برخی از روشن‌فکران غربی معتقدند که علم با دین سازگار نیست و انسان یا باید دین‌دار باشد و یا عالم! چرا که دین مخصوص دوران جهل و بی‌سوادی بشر بوده است و از آن جا که آدمی از حوادث طبیعی و محیطی می‌ترسید و راه تسخیر طبیعت را نمی‌دانست، به دین پناه می‌برد؛ ولی اکنون که بشر تمام کائنات را تسخیر کرده، مصونیت یافته و علم نیازی به دین ندارد. آنها معتقدند که با عقل بشری نیز می‌توان خیر و شر آدمی را کشف کرد.^۱

کسانی که قصد اهدای جایزه نوبل را داشتند، به رهبر کاتولیک‌های جهان گفتند: جایزه نوبل را به تو می‌دهیم، به شرط آن‌که مجوز سقط جنین و هم‌جنس‌بازی را صادر کنی. اما ژان پل دوّم در پاسخ گفت: «من مسؤولیت چنین کاری را نمی‌پذیرم، زیرا این کار برخلاف آموزه‌های دینی و تعالیم مسیح‌پسند است». آنها نیز به سراغ اسلام آمدند و خواستند با اهدای جایزه نوبل،

ارزش‌های اسلامی را کم‌رنگ کنند. این خانم هنگام دریافت جایزه، بی‌حجاب بود. حتی روسری نداشت! نوبل را گرفت و پس از آن هم ادعا کرد: «من یک زن مسلمان ایرانی‌ام و افتخار می‌کنم که شیعه علی‌بن ابی‌طالب هستم! حجاب در اسلام یک امر سلیقه‌ای است، ولی چون در ایران قانون است، من در آن جا رعایت می‌کنم».

پس از این مراسم، دولت فرانسه ممنوعیت حجاب را قانونی اعلام و راجع به ورود دختران محجبه در مدارس و مراکز دانشگاهی و دولتی فرانسه سخت‌گیری کرد.

این گونه موضع‌گیری‌ها، حاکی از آگاهی اندک و برداشت نادرست از مفاهیم دینی است؛ چرا که قرآن شریف در مورد حجاب، لفظ «جلباب» را به کار برده است که به معنای سرتاسری است؛ مانند چادر یا روسری. آن جا که می‌فرماید:

يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ

جَلَابِيبِهِنَّ^۱ ای پیامبر، به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو:

پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند.

بنابراین جمهوری اسلامی از روی سلیقه، حجاب را قانونی نکرده، بلکه حکم اسلام را پیاده کرده است.

نقش تبلیغ در فرهنگ‌سازی

اگر جامعه ما درباره مانثوی چاک‌دار و روسری کوتاه و نوع پوشاک غربی تبلیغ کند، بدیهی است که فرزندان ما به آن تن می‌دهند. بنابراین اگر یک الگوی کامل و فرهنگ سالم در جامعه رواج نداشته باشد، بی‌شک به از هم گسیختگی و

۱. در مورد علل پیدایش دین، می‌توان به مواردی از قبیل ترس، جهل، نظم و عدالت‌خواهی، امتیازطلبی در جامعه طبقاتی و تمایلات جنسی و فطری بودن آن، اشاره کرد. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: *امدادهای غیبی در*